



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در میراث زوجین بود، امام رضوان الله عليه در این رابطه می فرماید: «المقصد الثاني في الميراث بسبب الزوجية:

مسألة ۱: لا يرث أحد الزوجين جميع المال بسبب الزوجية إلا في صورة واحدة، وهي انحصار الوارث بالزوج والإمام عليه السلام، فيرث الزوج جميع المال فرضاً و رداً كما تقدم، وقد ظهر مما مر أن فرض الزوج نصف تارة (اگر زوجه اولاد ندارد) و ربع أخرى (اگر زوجه اولاد دارد)، وفرض الزوجة ربع تارة (اگر زوج اولاد نداشته باشد) و ثمن (اگر زوج اولاد داشته باشد) أخرى، ولا يزيد نصيبهما (زوجین) ولا ينقص مع اجتماعهما بأي طبقة أو درجة إلا في الفرض المتقدم آنفا.^۱

امام رضوان الله عليه در ادامه کلامشان اینطور می فرمایند: «مسألة ۲: يشترط في التوارث بالزوجية أن يكون العقد دائماً، فلا توارث في الانقطاع لامن جانب الزوج ولا الزوجية بلا اشتراط بلا إشكال، ومع من جانب أو جانين في غاية الاشكال، فلا يترك الاحتياط بترك الشرط (يعنى شرط ارث بردن)، ومعه (يعنى اگر شرط کرده اند) لا يترك بالتصالح. وأن تكون الزوجة في حبال الزوج وإن لم يدخل بها، فيتوارثان ولو مع عدم الدخول. والمطلقة الرجعية بحكم الزوجة ما دامت في العدة بخلاف البائنة فلو مات أحدهما في زمان العدة الرجعية يرثه الآخر بخلاف ما لو مات في العدة البائنة، نعم لو طلقها في حال المرض ولو بائنا ومات بهذا المرض ترثه إلى سنة من حيث الطلاق بشرط أن لا يكون الطلاق بالتماس منها، فلا ترث المختلعة والمباراة، وأن لا تتزوج، فلو طلقها حال المرض وتزوجت بعد انقضاء عدتها ثم مات الزوج قبل انقضاء السنة لم ترث، وأن لا يبرأ الزوج من المرض الذي طلقها فيه،

فلو برأ منه ثم مرض ولو بمثل هذا المرض لم ترثه، ولو ماتت هي في مرضه قبل تمام السنة لا يرثها إلا في العدة الرجعية.^۲ شيخ انصاری رساله ای به طور مجزا در شروط دارد و بحث مفصلی در مورد قاعده "المومنون عند شروطهم" کرده، اولاً خود شرط در لغت و اهل عرف "التزام فی التزام" است و به مجرد التزام شرط گفته نمی شود یعنی یک عقدی است و در ضمن آن شرطی گذاشته می شود، ثانیاً شرط نافذ است إلا ما أحل حراماً أو حرم حلالاً و کلاً نباید مخالف کتاب و سنت باشد و همچنین نباید مخالف مقتضای عقد باشد مثلاً در بیع شرط شود که مشتری یا بایع مالک نشوند، علی آیی حال امام رضوان الله عليه در مانحن فيه می خواهد بفرماید در عقد انقطاعی حتی اگر شرط هم شود توارث نیست، خلاصه بحث میزان نفوذ و عدم نفوذ شروط در عقود، بحث بسیار مهم و اجتهادی می باشد.

امام رضوان الله عليه در اینجا فرعی را مطرح می کنند که اگر مرد فوت کرد و غیر از زنش هیچ وارثی نداشت یا زن فوت کرد و غیر از شوهرش هیچ وارثی نداشت بقیه اموال متعلق به چه کسی خواهد بود؟ ایشان می فرمایند: "و اما الموضع الاول انحصار الوارث فی الزوج فالمشهور بین الاصحاب وجوب رد مازاد عن فرض الزوج إليه عند انحصار الوارث فيه فالکل للزوج" که نصف آن را فرضاً و نصف دیگر را رداً ارث می برد و مسالک و جواهر نیز در اینجا همین را گفته اند و این مسئله مشهور است و شهرت عظیمه دارد بلکه شیخین و جماعتی ادعای اجماع کرده اند و بعد روایات مربوط به این حکم را بیان کرده اند.

^۲ 'تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۹۶، مسئله ۲.

^۱ 'تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۹۶، مسئله ۱.

عرض کردیم که صاحب وسائل چند باب در این رابطه منعقد کرده تحت عنوان "ابواب میراث الأزواج"، عجیب اینکه در باب ۳ از این ابواب ۹ خبر در این مورد از ابی بصیر نقل کرده، آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه در این موارد که از یک نفر چند خبر در یک موضوع نقل شده، همه اخبار را به یک خبر برمی گردانند و می فرمودند راوی یک دفعه از امام پرسیده و امام نیز یک دفعه جواب داده و اما بعداً در نقل معنی عبارات های مختلفی بیان شده.

ما چند ابوب بصیر داریم که یکی از آنها ابوب بصیر معروف مشهور مطلق یعنی یحیی بن قاسم أسدی است که مقام بسیار بالائی دارد و در سند چند هزار خبر واقع شده است، خب و اما همین ابوب بصیر در اینجا ۹ خبر دارد که دلالت دارند بر اینکه اگر زن بمیرد و هیچ وارثی غیر از شوهرش نداشته باشد تمام اموالش برای شوهرش می باشد که نصف را فرضاً و نصف دیگر را رداً می برد و این خیلی عجیب است که یک نفر در یک موضوع ۹ خبر نقل کرده و مطلب دیگر اینکه تمام این ۹ خبر را از یک امام نقل نکرده بلکه از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده.

یکی از بحثهای مهم این است که در کتب رجال مثل معجم رجال حدیث آقای خوئی پنج ابی بصیر ذکر شده که یکی از آنها همین یحیی بن قاسم أسدی بود که عرض کردیم و دیگری لیس بن بختری مرادی است که این دو نفر خیلی مهم هستند و در میان اینها ابی بصیر مکفوف یعنی نابینا وجود دارد که آقای خوئی می فرماید این همان یحیی بن قاسم أسدی می باشد که نقل شده شخصی به او گفت تو از مریدان و شاگردان خاص امام صادق علیه السلام هستی و می گوئی آنها

مریض شفاء می دهند خب از او بخواه تا چشم تورا شفاء بدهد، ابوب بصیر خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت من از اول نابینا بودم و هیچ گله ای ندارم و در برابر قضا و قدر الهی تسلیم هستم ولی به من اینطور گفته اند، یکی از مقامات عالیه معنوی مقام صبر و دیگری مقام تسلیم است و بالاتر از اینها مقام رضا می باشد یعنی انسان از تقدیر پروردگار و اینکه دارد قضا و قدر او را تحمل می کند خوشحال است، خلاصه اینکه حضرت به او فرمود نزدیک بیا و بعد دستی بر روی چشم او کشید و بینا شد، حضرت فرمود این را بدان اگر صبر می کردی یک مقامی در بهشت داری البته الان هم به بهشت می روی ولی دیگر آن مقام را نداری، ابوبصیر گفت یابن رسول الله دلم می خواهد مثل اول باشم و حضرت دوباره دستی بر چشمان او کشید و مثل اول نابینا شد.

همان طور که عرض کردیم چندین باب در وسائل منعقد شده که دلالت دارند بر اینکه اگر زوجه بمیرد و هیچ وارثی غیر از زوج نداشته باشد تمام اموالش به زوج می رسد نصف آن فرضاً و نصف دیگر رداً ولی اگر زوج بمیرد و هیچ وارثی غیر از زوجه نداشته باشد زوجه سهم خودش را فرضاً می برد و بقیه به امام علیه السلام می رسد، بنابراین امام رضوان الله علیه بین زوج و زوجه اینطور تفصیل قائل شده.

بقیه بحث بماند برای بعد از تعطیلات إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهرین